

شیوا نوری - دنیا حیدری

آغوش باز به روی فوتبالیست‌های بیمار

لیال ایران بر کسی پوشیده نیست
در تار و پازیرفته‌اند، ولی به خدمت
هنوز برای ما قابل هضم
نم‌مگر کش ملی جمویش، هیچ
کس ورزش ندارد، قاعده تپه‌ست
هر کس برتری دارد. نباید ابتلائی
بوجود آورد پرسپولیس به «هیاتیت»
در خطر آسیب‌های
جراحی بیمار قبلی را یادمان آورد؛
فرار دارد با فرقه‌های پایتخت روی
کی کردن او در تیم‌های تانهاوم و
فرار دارد با فرقه‌های تپه‌ست کار
نشانه‌های نباتی نبات این حیاتی بزرگ
نیست. بدیختی این
بالیست بیماری نیست
خیالی مدیران و البته
فرار دادی سنگین با
کنند در فصل پنجم
ی‌های روی
شست،
به نام
نگاه
فت
فانی
فی
ل و
زود
موم شد
در قرار دادش
سد، ولی این
یچنه‌های
راحتی
دا افان

از شایگان استقلال تبدیل
شد، صرفاً به این دلیل که
آقایان نمی‌دانستند
ارسال پیش‌قرارداد
امضاشده هم
تبعات مالی
و حقوقی
در پی دارد.
استقلال
برای این
مربی برزیلی
یک پیش‌قرارداد
رسمی در سربری
باشگاه ار سال می‌کند؛

سندی که مدیران باشگاه آن را صرفاً یک توافق اولیه می‌خواندند اما فیفا آن را قراردادنی نهایی می‌داند، به‌دقتی‌ای که باعث شد کارلده ادعای میلیون دلاری مطرح کند و استقلال را در آستانه یک محکومیت سنگین قرار دهد؛ ماجرای تلخی که ثابت می‌کند نداشتن دانش کافی، عدم آگاهی، سهل‌انگاری و سوءمدیریت چگونه می‌تواند یک پیش‌نویس ساده را به بمب مالی برای یک باشگاه تبدیل کند. بی‌کفایتی‌ای که البته بارها و بارها از سوی این باشگاه به‌اشکال مختلف تکرار و تکریم شده است. به‌تغییری در واقعیت ماجرا ایجاد کند. هرچند این نخستین بار نیست فوتبال باشگاهی ایران با چنین چالش‌هایی مواجه می‌شود. بارها و بارها عدم توجه به قوانین و عدم آگاهی از آن باعث شده است از مربیان گروت و پرتغالی گرفته تا یک یکنواخت افریقایی و آمریکایی جنوبی، پرونده‌های قانونی برای فوتبال ایران در فیفا باز کنند و با استفاده از وکلای خبره‌ای که آشنایی کامل و جامعی به قوانین بین‌المللی دارند، به عنوان برنده از بازی میز محاکمه با باشگاه‌های ایران بلند شوند. وقتی یک مدیر نمی‌داند ارباب سال سندی روی سر می‌برد باشگاه می‌تواند جیب حقوقی دربی داشته باشد، چگونه می‌توان از او انتظار مدیریت داشت؟ این ناآگاهی دیگر سهل‌انگاری ساده نیست، یک فاجعه تکراری است که هزینۀ آن سال‌هاست از جیب هوادار و بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ضرر میلیاردي پيش قرار داد!

عملکرد ضعیف در دنیای فوتبال، فرصت پدید کردن تیم جدید و داشتن پیشنهادهای خوب را از فوتبالست‌ها دور مهربانی می‌گیرد. در آن وقت فوتبالجست‌ها برای جانی‌ها می‌باید، باید جوری عمل کنید که باشگاه و هواداران‌شان و حتی منتقدان از شما راضی باشند، البته وقتی می‌استخدم مربی و بازیکن خارجی در دست ماست باشد، مدیران و مسئولان وطنی خیلی به این مسائل توجه نمی‌کنند و اتفاقاً برای آنکه اسم و رسمی برای خودشان به هم بزنند، دست می‌زنند. می‌بایر کارها، به حتی بازیکن‌ها، تست نیز می‌دهند. در واقع کارهای طرف آخرین فاکتور اقبالان برای استخدام می‌بایست و همین که طرف خارجی و به‌ویژه اری‌های باشد، از به عنوان حربه‌ای برای فخر فروختن به رقیب استفاده می‌کنند. ریکاردو ساینیتو نمونه بسیار خوبی برای بیان این ادعاست. مردم پر حاشیه‌ها هر ترفال انقدر بیکار نشست و منتظر ماند تا دوباره استفاده‌ای به او و چراغ سبز نشان دهد. سمری‌ها می‌تواند در روزهای جنگ تحمیلی اری‌ها را اشتیاق فراوان منتظر آرام‌شدن اوضاع و باز شدن فرودگاه‌ها بود تا هر طور شده خودشان را به تهران برسانند، این در حالی بود که ساینیتو می‌دانست نکرده حریمیت چهار ماهه قبلی‌اش را اسیری نکرده است و باید آن را نیز مدنظر قرار دهد. بعد از یک فصل پر حاشیه و ناکام در استقلال، ساینیتو به پوئل‌ترین قریس و پوئلست و آنجا هم خیلی دوام نیاورد و پس از برکناری اری‌ها تیم‌ال‌را کازابلانکا شد. بعد از ۲۵/۵ حضور در این تیم و کسب فقط دو پیروزی در ۱۲ مسابقه، ساینیتو او را در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ اخراج شد و تا ژوئن ۲۰۰۵ بیکار ماند. در نهایت پیشنهاد رسمی باشگاه استقلال و موافقت ساینیتو، مردم پر ترفالی‌ار بیکاری نجات داد. گویا هر قدر پرسپولیس در استخدام یکنان، بیکار، اسناد است، استقلال را توانا،

عجیبی در نجات بیکاران فوتبال‌ساز دارد. آنتونیو امان در حالی‌که سربازان استقلال شده که از هم فاصله فصل خاتمه‌شان را تحمل کرده‌است، اظهار می‌رفت بعد از جدایی دیدم حسین حسینی، کمدن گریه نهایی کسی بود جز امان اسپانیایی، که ۸ ساله‌است اما توانسته با آبی‌ها دو ساله ببندد و احتمال تمدید قراردادش برای سال سوم نیز وجود دارد. او چهره سال روزهای اسپورتینگ لیسبون بود ولی فصل کامل مصدوم بود و توانست بازی کند. امان پس از جدایی بیکاری و رغم سن بالای که دارد توانست در لیگ برتر ایران نیم فصل کند و پیراهن استقلال را بپوشد. این روزهای ترس و توجع دارد برای بیکاری برای اولین بار که خارج از کشور به تپه پرت.

در ایران بیکار نمی مانید!



دست‌درازی خلاقانه به جیب ملت

[illegible]

سالیان سال است هزینه تصمیمات سر تا پا اشتباه مدیران بی کفایت از جیب مردم پرداخت می‌شود و دیگر حساب کردن روی بیت‌المال برای پرداخت ارقام نجومی قرار داد بازیکنان و مربیان داخلی و خارجی اتفاق تازه‌ای نیست، با وجود این اما گاهی آقایان با روش‌های خلاقانه و صد البته تأسف‌بار به زدن جیب مردم روی می‌آورند که نمونه آن ماجرای پرداخت گوشه‌ساز ای بدهی ویلموتس و تسویه حساب با کالدرون است.

ویلموتس گیت از آن قسم پرونده‌هایی است که هرگز از خاطره فوتبال ایران پاک نخواهد شد. داستان مردم بلژیکی که هیچ قدم مثبتی برای تیم ملی فوتبال ایران نداشتند اما در مقابل رقم قابل توجهی به جیب زد و رفت، صرفاً به جهت ناگهانی مدیران ایران، اما پرداخت مطالبات

در ادایای بین‌المللی به این راحتی‌ها نیست و هزار
دو و تصور مهم دارد که باید مدنظر قرار بگیرد.
از این موارد که رعایت نشود یا مورد بی‌توجهی
رود، در دیدن زبان و خسارتی بسیار سنگین برای
مهم و تأثیرگذار در فوتبال ما محلی از اعراب ندارد
در خمدگاهانی مدیران ایرانی در عقد قراردادهای
بی‌رج می‌بود. این مسئله بارها و بارها فوتبال ایران
کشورمان را با بحران مواجه ساخته و همه شاکیان
توانستند حکم محکومیت تیم‌های ایرانی را
خبر خاموشی از محاکم بین‌المللی بگیرند. علاوه بر
رونی که فیفا مشخص کرده و طرفین ملزم به
آنجا هستند، هر یک از طرفین می‌توانند
بتصره‌هایی به قراردادهای خود اضافه
کنند و این امر قبل از رسمی شدن آن
باید با مشورت گرفتن از وکلای
کارشناسان حاذق تمامی
کار را بسنجند و سپس
امضای قرارداد کنند،
فوتبال کشور مانده
ری از تخصص
انسان خیره
بلکه،
سزوی
تلاقی
خدا
هی‌ما
سابق، جوری
می‌پندند که
هر شرایطی
شان را تمام
در یافت کنند
خسارت هم بگیرند.
شبهه تکتجایی مارک
یا فافا (اسپیو) فوتبال



یران بهترین نمونه برای بندهای جنجالی است، هرچند
 هدی تاج مرد بلژیکی را نجیب خطاب می کرد و کاهش
 حکم جریمه فیفا از ۷ میلیون یورو به ۳ میلیون یورو یک
 روزی غرور آفرین می نامید، اما اصل ماجرا وجود یک
 دند جنجالی در قرارداد ویلموتس بود: در این بخش آمده
 سه سربازی قرارداد را فسخ کند، چه فراسوی، باید سه
 ه مبلغ به عنوان غرامت پرداخت شود یا (OF) یک مبلغ
 شخصاً! دقیقاً همین کلمه «یا» بود که ورق را به دست
 ویلموتس و وکلایش برگرداند، چون آنها خوب می دانستند
 همین یک کلمه چطور می تواند رای امری نامتکمیل
 رویی را بابت تنها شش بار حضور ویلیلموتس تیم ملی
 ایران بگیرد، اینها که بندهای حقوقی فقط
 خبره ها از آن سردر می آورند، ولی در قرارداد با
 سردار دورسون، مدیران پرسپولیس قاعده تا
 معنی این بند قرارداد او مبنی بر «جدایی»
 این بازیکن در صورت جدایی اسماعیل
 کارتال (سرمربی وقت) را باید می فهمیدند.
 کارتال سرمربی اهل ترکیه که به
 ایران بازنگشت، دورسون هم
 با خیال راحت قراردادش را
 فسخ کرد و نیامد، حال
 آنکه فیفا به خارجی ها
 اجازه می دهد در
 شرایط اضطراری
 چون جنگ،
 بدون مشکل
 قراردادشان
 را فسخ کنند،
 ولی در فوتبال ما
 اصلاً نیازی به شرایط
 جنگی نیست و خارجی ها
 انقدر بندهای جنجالی در
 قراردادهای شان گذاشته اند
 که در آرامش کامل از
 ایران می روند و تمام
 دستمزدشان را نیز می گیرند.

بندهای جنجالی پولساز و بلای جان

بی تردید یکی از تکراری ترین ماجراها
فوتبال ایران، انداختن مدیران به فرار داهای
است که با بازبینی و مریبان به خصوص
خارجی ها می بینند و آنها را در پیازود به یکی
از اربابان جوع های قبیله یی می کنند. این
نکته یی سال ها اخیر به یکی از مشکلات
جدی تبدیل شده که همه چه فوتبالیان ایرانی
و هم هزنه یی ها در کرده است و هم هزنه یی ها
کرافی را به آن تبدیل، با وجود این باقی قانون
الزام آوری وجود ندارد که مدیران ناایق فوتبالی
را به اجرای تعهداتش مجبور کند، به همین
دلیل ترس استی و خلاف فعلی مکان و زمان و انتقالات
چپ دستانی و چه زمستانی که قابل تکیوی
زیادی دارند برای چند نفرات مد نظر خود
و نشانند آنها پای قرار داهای نجومی، وقت
پرداخت که به سود خودشان از دسترس
خارج می شوند تا بفراهی های هم امشان، این

می کشند
سنگین
دیر کرد
تکراری
می پیمای
به قرارداد
کسی در
یا کشید
اصول
و

A man with dark hair and a beard, wearing a blue suit, white shirt, and blue tie. He has his arms crossed and is looking slightly to the left with a serious expression. The background is a solid light blue color.

مدیران بی تعهد بلائی جان

حالی است که خوب می‌دانند در دسترس نپوشن حتی نمی‌توانند برای ایا زمان بخرد، وقتی براساس قانون جهانی هرازپانز که مربی خارجی در هر کشوری می‌تواند در صورت عدم دریافت مطالباتش در موعد مقرر بعد از دادن چند نوبت نتایج اقدام به فسخ یک‌طرفه قراردادش کرده و با شاگاره طرف حساب خود را به در درسد بنده، اما وقتی این توان قصور را بر مگر خارجی‌های انداخت که یکی در میان در نیمه یا پایان راه ناچار دزدی گرفتن نتایج خود را روانه فیفا شوند، چه دلیل دارد که نتایج خود را بابت پرداخت هزینه قراردادها در به زحمت ببندند؟ سال هاست خصمانه خارجی‌ها را می‌نگریم و تصور می‌کنیم اینا چون زالسو در حال مکیدن خود فوتبال ایران هستند، می‌دان آن مقصر اصلی نه با یکزن و مربیان که حلال آن هستند، مدیرانی که بدون هیچ تحقیق و آگاهی اقدام به عقد قراردادهای ننگین می‌کنند و در ادامه به عدم تعهدت به آنچه داده داده بودند، کار را به فیفا می‌کشند تا هم هزینه هفتت گرفتار را در بیجا سنگینی که بسندند را بپردازند، هم هزینه دیوگر و هم هزینه دادرسی‌ها را؛ اسیری تکراری که بازگشای این چندین مرتبه آن را می‌پیماید اما نه تجربه می‌شود برای متنبه بودن به قراردادهایی که بسته می‌شود و نه سدای آن کسی درمی‌آید برای توبیخ این مدیران نالایق یا کشیدن گوش‌اند که حداقل اگر عقد قرارداد اصولی را نمی‌دانند، به آنچه می‌نویسند و پایش را امضا می‌کنند متعهد باشند، اما عدم پرداخت از جیب و عدم نظارت دست این قسم مدیران حاضر در فوتبال ایران را باز گناتشه است تا با چه افتابو و اقسامه قراردادهای ننگین، چوب حراج بزنند به جیب ملت، آن هم دوبله سوبله؛ چون حرف‌شان برای خودشان هم حرف نیست، رسد به دیگران.